



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۰/۰۲/۲۶

شاه محمود محمود

مؤثریت و نقش پدر(والدین) در آموزش زبان مادری

بیرون از افغانستان

زبان مادری در حقیقت زبانی است که مادر طفل به آن صحبت می کند. بنابراین زبان مادری از دوران حاملگی به طفل انتقال یافته و بعد از تولد استمرار پیدا میکند. و میتوان گفت بزرگترین هدیه است که نوزاد هنگام تولد با خود دارد. روی همین منظور است که طفل که گریه می کند؛ بعد از شنیدن صدای مادرش آرام می گیرد. چون این صدا را درک می کند و برایش آشنا است.

کشور ما با تنوع ملیت ها و اقوام، داشتن زبانهای مختلف سبب شده است که ازدواج ها با ملیت ها و اقوام متفاوت برای فرزندان مشکل زبانی را بار بیاورد. اما در صورتیکه این زبانها در طفولیت پیگیری و آموزش داده شود و یا به زبان دوم و سوم در بین خانواده ها صحبت شود، فراگیری زبانها برای فرزندان ما سهل میباشد. بنابراین در این نوع ازدواج ها زبان پدر و خانواده پدر، در صورتی که از ملیت و زبان دیگری باشد، جای زبان دوم را می گیرد. امروز اکثریت هموطنان ما بیرون افغانستان زندگی میکنند مشکل زبان بر علاوه زبان مادر و پدر؛ زبان کشور میزبان را همچنان باید فرا بگیرند. بنابراین برای ما مسئولیت های بیشتر محول میگردد که برای حفظ زبان مادری توجه نمایم. درحقیقت زبان مادری در کشور های میزبان به مثابه هویت ملی و زبانی و فرهنگی ما میباشد که از کجا آمده ایم و به کجا تعلق داریم.

راست است که کشور میزبان، جای وطن دوم را برای ما می گیرد. و مکلف هستیم که به زبان و اصول و قوانین آن احترام گذاشت و آنرا فرا گرفت اما هرگز زبان، تاریخ و فرهنگ و عنعنات وطن و کشور خویش را فراموش نکنیم. برای حفظ زبان و فرهنگ در این کشور ها، پدران و مادران وظایف بس بزرگ و مهم را برای استمرار و آموزش و حتی تدریس زبان مادری به عهده دارند. این عمل نه تنها وظیفه مادران است بلکه پدران همچنان مجبور است که برای فراگیری زبان مادری و یا احیاناً زبان پدری توجه دلسوزانه و جدی نمایند.

راه های گونه گون برای فراگیری و آموزش زبان مادری توسط مادر و یا پدر یک خانواده وجود دارد. اول - خانواده های که از پدر و مادر افغان که با یکی از زبان های کشورمان تشکیل شده اند. تلاش و کوشش مشترک نمایند تا زبان مادری را برای فرزندان خویش بیاموزند. حتی در شهر که زندگی میکنند برای فراگیری این مأمول در صورتیکه مکاتب زبان مادری وجود داشته باشد ثبت نام نموده و روز یک یا دو ساعت فرزندان خویش را به آن مکاتب بفرستند. اگر احیاناً چنین سهولت موجود نباشد پدر و مادر مجبور و مکلف است تدریس زبان مادری را در منزل پیش ببرند.

یکی از راه های که فرزندان را مجبور به فراگیری زبان مادری می نماید، اینکه پدر و مادر در منزل با فرزندان خویش به زبان مادری خویش صحبت نمایند و فرزندان را نگذارند که زبان دوم یا زبان کشور میزبان را در منزل صحبت نمایند. تجربه نشان داده است که فرزندان ما بین خود و دوستان هموطن خویش به زبان کشور میزبان حرف میزنند. که این روش آرام آرام آنها را از یادگیری زبان مادری دور میسازد. در پهلوی این همه تلاش؛ زبان مادری زمانی مؤثر واقع میشود که رسم الخط زبان متذکره را به فرزندان خویش آموزش دهند.

بسیار دیده شده است که یکی از اعضای خانواده سواد مکمل زبان مادری را ندارد. در این صورت باید فردی که سواد دارد به آموزش فرزندان خویش دست به کار شوند. باید متیقن بود که فراگیری زبان مادری هیچگونه خلل و گسستگی در زبان کشور میزبان به وجود نمی آورد. اگر واقعاً هر دو پدر و یا مادر سواد [خواندن و نوشتن] زبان

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په خیر و لولئ

مادری را نداشته باشند از دوستان و فامیل های خویش که در نزدیکی شان زندگی میکنند کمک بخواهند تا این معضله حل گردد.

راه دیگر که میتوان سراغ کرد همان تلویزیون و صفحات اجتماعی است که فرزندان خویش را در کنار خود داشته باشیم و از طریق تلویزیون ها آموزش زبان مادری را در منزل پیش ببریم.

دوم - خانواده های دو ملیتی یا دو قومیتی که دارای زبان های متفاوت هستند. چنانچه در آغاز گفتم کشورمان متشکل از اقوام و ملیت های گونه گون اند و یا به مثابه باغ است که در آن انواع گل ها کنار هم قامت افراشته اند، و همین موضوع باعث زیبا شدن فرهنگ ما می گردد. در این صورت باید و باید فرزندان خویش را بر علاوه زبان مادری که از بطن فرا میگیرند، مطابق حرفهای بند اول مجبور به فراگیری و استمرار زبان مادری نمایند. همچنان پدران مکلفیت دارند تا زبان خود را به فرزندان یاد بدهند. راه های مختلف برای فراگیری زبان پدري وجود دارد یکی از آنها که پدر همیشه با فرزندان خویش با زبان خود صحبت کند. این روش فرزند را ناخودآگاه به یادگیری و حرف زدن با زبان پدري آشنا میسازند. و مجبور نمیشوند زمانیکه با فامیل و اقارب پدر و یا مادر روبرو می شوند مشکل و معضله زبانی داشته باشند و خود را بیگانه حس کنند.

سوم - فراگیری زبان مادری در حقیقت به یادگیری زبان دوم یا سوم کمک فوق العاده می نماید و تحقیقات نشان داده است که چگونگی درک فرزندان از زبان مادری و توانایی تحلیل زبان مادری سبب می گردد تا آموزش زبان کشورمیزبان به آسانی صورت بگیرد. بنابراین می توان زبان مادری را ریشه ی یادگیری دیگر زبان ها یا همان مادر زبان ها نامید ..

در بین سالها ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۳ زمانیکه زبان مادری را در دو مکتب تدریس می نمودم. این دلیل که زبان مادری، برای آموزش زبان دنمارکی کمک میکند یکی از عامل بقای صنوف زبان مادری گردید. با وجودیکه فیصله های علیه بستن صنوف زبان مادری گرفته شد. اما دلایل که ارایه نمودم موفق شدم تا این صنوف باز و تدریس زبان مادری ادامه پیدا کند.

روانشناسی در این راستا می گوید که: زبان مادری، تنها زبان سخن گفتن نیست، زبان عاطفه، زبان احساس و زبان زندگی فرد هم هست. زبان مادری زبان درونی انسان هاست و فرایند تفکر نخست به زبان درونی هر فرد رخ می دهد و سپس به زبان گفتاری او ترجمه می شود. مطالعات نشان داده است که در گروه های جمعیتی دو زبانه ها اگر زبان مادری را خوب یاد گرفته باشند، مغز آنان در پرداز اطلاعات هیجانی و حوزه دریافت معنایی توانایی بیشتری دارد.

چهارم - امروز شاهد ازدواج پسران و دختران ما که با جوانان دنمارکی، آلمانی و یا امریکایی وووو هستیم. در این صورت معضله زبان مادری وارد مرحله جدیدی میشود. اگر مادر افغان است باید آموزش زبان مادری را در اولویت قرار بدهد. و فراموش نکند که خودش با لالایی مادر خویش ارامش دیده و به خواب رفته است. به همین منظور وظیفه دارد تا زبان خود را برای فرزندش انتقال بدهد. باورمندم که با این فراگیری؛ شوهر خود را نیز مکلف میسازد تا زبان خاتمش را فرا بگیرد. و مادرکوشش کند؛ تا با زبان مادری همیشه با فرزند خویش صحبت نماید. چون زبان پدر را از پدر و محیط و کودستان و مکتب فرا میگیرد. بنابراین فراگیری زبان مادری تلاشی است که فرزند به آسانی با پدر بزرگ و مادر بزرگ و خانواده مادر خویش افهام و تفهیم نماید. در غیر آن باور کنید بیگانگی بین فرزندان و اعضای خانواده به وجود می آید.

ضمناً در صورتیکه پسران ما با دختران و بانوان کشور های میزبان ازدواج میکنند پدر مکلف است تا زبان پدر را به فرزند خویش انتقال بدهد. در غیر آن مشکل بزرگتری از خود بیگانگی به وجود می آید. و پدر بزرگ و مادر بزرگ نمی تواند با نواسه ها یا نوه های خویش صحبت کنند. چون فرزند و یا طفل زبان مادری را به آسانی از مادر، محیط و کودستان و مدرسه فرا میگیرد. غفلت در فراگیری زبان مادری معضله بزرگی میان خانواده ها است که به آسانی نمی توان از آنها چشم پوشید.

یکی از روان شناسان در این مورد می گوید:

درک این که زبان مادری چه نقشی در رشد عاطفی و ارتباطات اجتماعی فرد دارد، به زاویه ای که ما به زبان مادری نگاه می کنیم و آن را تعریف می کنیم، باز می گردد. او معتقد است: زبان مادری تنها و اولین وسیله ارتباطی کودک (و در آینده شخص) با افراد نزدیک خود، پدر و مادر بزرگ، خویشاوندان و دیگر نزدیکان و عزیزان او است و برای حیات اجتماعی یک انسان، ایجاد ریشه و ریشه انداختن در میان افراد نزدیک او در زندگی فامیلی، به خصوص در دوران کودکی نقش حیاتی بازی می کند. کودکی که به دلایلی از زبان مادری و زبان مشترک او با خویشاوندان نزدیک محروم شده است، قاعدتاً نمی تواند با خویشان نزدیک، نظیر پدر بزرگ و مادر بزرگ خود علیرغم دلبستگی های عمیق آنها به او، ارتباط زبانی، احساسی و شناختی برقرار کند و در واقع احساس تعلق خود را به جمع خویشاوندان، نمی تواند رشد دهد.

او می افزاید: با کودک به شکل مخصوص و با زبانی مخصوص که مورد استفاده دیگران نیست، رفتار شده است و طبیعی است که او خود را همواره چون تافته جدا بافته می بیند. کودک احساس می کند که به فضای گفتمانی خویشاوندان

متعلق نیست و از حکایات، شوخی ها و ایجاد ارتباط با آنها هیچ لذتی نمی برد. در نتیجه کودکانی که با زبان دیگری به جز زبان مادری رشد می کنند، حتی اگر در آینده به دلیل استعداد فردی تا درجه های بالای تحصیلی پیشروی کنند، معمولاً از برقراری یک رابطه طبیعی با مردم و اجتماعی شدن رنج می برند؛ چون استعداد جدا از شخصیت است. پنجم - مشکل عمده که امروز دامنگیرمان است نه تنها مادر بلکه پدران ناخودآگاه به فراگیری زبان مادری پشت پا زده اند. مادر چه در خانه است و یا وظیفه و یا درس میخواند. پدر همچنان به شغلی مصروف است. تمام روز بیرون منزل هستند و زمانیکه به خانه برمیگردند. با فرزندان به جز سلام و یا چند کلمه بیشتر حرف ندارد چون هر کدام شان اطاق های جداگانه دارند و مصروف درس خویش در لپتاپ و کمپیوتر یا کتاب اند. و صبح زود هر کدام به مکاتب و مدرسه های خویش میروند. پدر و مادر بعد از صرف غذا شب به گوشه میروند. مادر به کار منزل مشغول میشود و یا با دیدن سریال های مبتذل ترکی و هندی شب را به نیمه میسرساند و پدر هم مصروف دیدن تلویزیون های افغانی میشود و سیاست ستیزی هموطنان خود را مشاهده میکند. و با چند فحش و ناسزا به بستر خواب میروند. و این تقسیم اوقات روزمره ادامه پیدا میکند. بنابراین فاصله بین فرزندان و والدین به وجود می آید که در نتیجه عدم آموزش و فراگیری زبان مادری را بار می آورد.

در پایان به عنوان حسن ختام از زومندم پدران و مادران وظایف و مسؤولیت های خویش را در قبال فرزندان به یاد داشته باشند. باورمندم همه تلاش دارند تا فرزندان شان با توانایی های معنوی اراسته باشند. اما این توانایی زمانی با قوت خویش ادامه پیدا میکنند که زبان مادری از طرف پدر و یا مادر به خوبی انتقال داده شده باشد و گوشزد گردد تا این میراث معنوی را استمرار بخشند.

نوت: قرار برین بود که این مقاله اختصاص به نقش و مؤثریت پدر در آموزش و استمرار زبان مادری در بیرون از افغانستان آماده گردد اما نمیتوان بدون مادر زبان مادری را استمرار و آموزش داد. بنابراین بهتر بود نقش والدین را در عنوان اضافه مینمودم. این مقاله به تاریخ ۱۵ فبروری در همایش زبان مادری در شهر وایله دنمارک که از طرف انجمن پرستو های مهاجر ترتیب داده شده بود ارایه گردیده است.